

تبریز لی اؤزودور، اؤزی / بهمنین بیرمی دوققوزی!



۲۹ بهمن روز دومین حرکت گسترده اسلامی و مردمی است که متعاقب قیام خونین ۱۹ دی مردم قم در شهر قهرمان پرور تبریز صورت گرفت، این حرکت راه امت اسلامی را به راه خونینی که در پیش روی داشت پیوند داد و لحظاتی را به دنبال آورد که از آن خورشید حیات آفرین انقلاب اسلامی شروع به درخشش کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز ۲۹ بهمن روز دومین حرکت گسترده اسلامی و مردمی است که متعاقب قیام خونین ۱۹ دی مردم قم در شهر قهرمان پرور تبریز صورت گرفت، این حرکت راه امت اسلامی را به راه خونینی که در پیش روی داشت پیوند داد و لحظاتی را به دنبال آورد که از آن خورشید حیات آفرین انقلاب اسلامی شروع به درخشش کرد. این قیام در شرایطی صورت گرفت که رژیم طاغوت تا دندان مسلح برای شکار هر جنبنده ای که به مخالفت برمی خواست سخت در کمین بود و در این راه همه امکانات خویش را با همکاری اجانب به یاری گرفته بود، مردم مسلمان و انقلابی تبریز مصمم و استوار چون یاران با وفای سرور آزادگان حسین بن علی(ع)، با وجود مخاطراتی که در پیش روی داشتند، در یوم... ۲۹ بهمن به عهد خود با اسلام و امام وفا کردند و به میعادگاه آمدند و با نثار خون خویش چهلمین روز حرکت خونین قم و حرکت شور آفرین مردم این دیار مذهبی را گرامی داشتند. قلبهای پاک ملت مسلمان ایران هنوز در سوگ شهدای ۱۹ دی قم آکنده از غم و اندوهی جانکاه بود. هنوز خونهای طلاب جوان و افشار مختلفی که در اعتراض به درج مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات و اساعه ادب به ساحت مقدس رهبر نهضت اسلامی به پا خاسته بودند، از سنگفرش کوچه و خیابانهای قم پاک نشده بود که رژیم آمریکایی شاه در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ دست به جنایت دیگری زد و فاجعه ناگوار تبریز را رقم زد.

• کانون مبارزه

مسجد شعبان تبریز با نام «آیه... سید محمدعلی قاضی طباطبایی» شناخته می شود. وی از سال ۴۲ در تبریز اقامت گزیده و رشته مبارزات و تحركات سیاسی آذربایجان را در دست گرفته است. خانه «آقای قاضی» خانه امید مردم تبریز و مسجد شعبان کانون مبارزه است. این روزها در مسجد شعبان زمزمه هایی به گوش می رسد. صحبت از برگزاری چهل شهدای ۱۹ دی قم است، همه منتظرند تا ببینند آقای «قاضی» چه تصمیمی خواهند گرفت.

صبح روز جمعه ۲۸ بهمن، اعلامیه ای با امضای ۹ تن از علمای تراز اول تبریز(سید حسن انگجی، الاحقر جعفر اشراقی، سید یوسف الهاشمی، عبدالحمید شریانی، عبدالمجید واعظی، الاحقر عبدالحسین غروی، سید محمدعلی قاضی طباطبایی، الاحقر کاظم دینوری و الاحقر عبدا... سرابی) بر دیوارها نصب شده است و مردم را به حضور در مراسم چهل شهدای قم دعوت می کند.

خورشید یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تازه طلوع کرده بود که با اتکا به خداوند، مردم دسته دسته، گروه گروه برای حضور در مسجد به راه افتادند، دانشجویان که نقش اساسی در این قیام داشتند، با تعطیلی کلاسهای درس خویش و بازاریان و اصناف با تعطیلی مغازه های خود به اجتماع این سیل عظیم که در حال جاری شدن بود می پیوستند، دریایی که در حال خروشیدن پایه های ستمکاران را به لرزه در آورده بود.

جمعیت خداجوی و حق طلب که نورعشق الهی در دلهايشان نقش بسته بود، در بازار تبریز متراکم شدند و این در حالی بود که دهانه بازار به دستور «سپهبد آزموده» استاندار وقت رژیم طاغوت به وسیله مأموران تحت فرماندهی سرگرد «حق شناس» بسته شده بود تا از ورود مردم به مسجد جلوگیری کند.

هر لحظه به انبوه جمعیت حاضر افزوده می شد و این حضور بیشتر از حد مردم که لرزه بر اندام مأموران انداخته بود، توهین این افسر ارتش به مقدسات با واکنش مردم مواجه شده و موجب ایجاد درگیری می شود.

شهادت «محمد تجلاست» دانشجوی ۲۲ ساله رشته مهندسی که اولین معترض به این توهین است، منشأ انفجار می شود. مردم خشمگین جنازه خون آلود جوان قهرمان را برداشته و با شعارهای «ا... اکبر»، «خمینی رهبر» و «کشتند جوانان وطن، ا... اکبر» به طرف خیابانهای شهر به حرکت درآمده و قیام از همین جا شروع می شود، طبق کسب تکلیفی که از «آیه... قاضی» شده بود، حرکت در خیابان آغاز می شود. مردم در حالی که شعار می دهند، پیش می روند و کم کم نوع شعارها عوض می شود، «درد بر خمینی، مرگ بر شاه»، «وای بر این حکومت یزیدی».

خبر به استاندار وقت «سپهبد اسکندر آزموده» می رسد، می گوید: «جایی که من هستم، آب بالا نمی رود!» تا نزدیکی شهر دسته های دیگری که از نقاط دیگر شهر راه افتاده اند، به سمت مرکز شهر پیش می آیند. «ساعت ۳ بعدازظهر، شهر به صورت کامل در کنترل مردم تظاهرکننده است. زمزمه هایی در شهر می پیچد که نیروهای کمکی و زره پوشها برای باز پس گیری شهر در راهند. بعضی ها می گویند که توسط چند هواپیمای سی-۱۳۰ از تهران آورده شده اند.

فریاد «مرگ بر شاه» شهر را به لرزه در آورده است، از همان نخستین لحظات قیام، مأموران نظامی، مردم حق جو را مورد هدف گلوله و رگبار مسلسل های خود قرار می دهند و آنها را به خاک و خون می کشند و در پی این تظاهرات عده

بسیاری زخمی و تعدادی نیز به خیل شهدا پیوستند.

حوالی ساعت ۲/۵ بعدازظهر، نیروهای کمکی ارتش با تانک ها و زره پوشها وارد شهر می شوند. در شهر حکومت نظامی اعلام می شود، با وجود اعلام حکومت نظامی تا پاسی از شب مردم در کوچه ها و خیابان ها به مبارزه ادامه دادند.

تظاهرکنندگان به مراکز نظام حمله می کنند و مردم غیرتمند تبریز در ستیز با مظاهر کثیف طاغوت، اماکنی از قبیل سینماها، مشروب فروشیها و کاخ جوانان را آتش می زنند. ساختمان جرثومه فساد، حزب رستاخیز در هم کوبیده می شود. وقتی خبر واقعه تبریز به گوش «محمدرضا پهلوی» می رسد، با عصبانیت می گوید: «هر ایرانی از وضع موجود کشور ناراضی است، پاسپورتش حاضر است و می تواند از کشور خارج شود!»

خود شاه جنایتکار هم بخوبی می دانست که قیام تبریز همچون نهضت همه ایران اسلامی بود و برای دفاع از حق و احکام اسلام صورت گرفته بود. بی شک نسبت دادن این قیام به مارکسیستها یا مارکسیستهای اسلامی که در تبلیغات شاهانه دیده می شد، خدعه ای بیش نبود و نشانگر این واقعیت بود که این مکاتب انحرافی جایگاهی در ایران ندارند والا شاه از آنها ذکری به میان نمی آورد.

بیش از یک هفته از واقعه ۲۹ بهمن می گذرد، ولی هنوز در بازار شهر، تردد و خرید و فروش عادی جریان ندارد. دولت «جمشید آموزگار» طغیان مردم تبریز را برانگیخته به دست بیگانگان شمرده و اشاره به شورشی ها کرد و اعلام کرد که «در خیل آشوبگران تبریزی واقعی نبوده و همه از آن سوی مرز آمده بودند»، وزیر مشاور کابینه او در مجلس اظهار داشت: «آشوب و بلوای تبریز را کمونیست های شناخته شده به راه انداختند.» خود شاه هم از زدن برچسب های ناچسب بر چهره نهضت اصیل اسلامی ابا نکرد و در مصاحبه ای که چند روز بعد با خبرنگار بی.بی.سی داشت، گفت: «شورش های قم و تبریز نتیجه اتحاد نامقدس بین کمونیست ها و اشخاص بسیار مرتجع است.» همین تحلیل در مطبوعات وابسته به حکومت و تربیون های رسمی نیز عرضه می شود.

مردم تبریز را به باد طعن می گیرند و ابیاتی چند بر سر زبان ها می افتد؟! زلفعلی نن، اروجعلی/ هاردان اولدی خارجه لی؟! /تبریز لی اؤرودور، اؤزی/ بهمنین بیرمی دوققوزی!

اعلامیه ای از سوی علمای شهر صادر می شود و از مردم می خواهد که کسب و کار خود را آغاز کنند تا مرکز استان دچار رکود اقتصادی نشود، پس از پخش این اعلامیه، بازار شهر از تعطیلی کامل خارج می شود، ولی تا نزدیکی های عید سال ۵۷ به صورت نیمه تعطیل به کار خود ادامه می دهد.

از روز ۳۰ بهمن ماه، اطلاعیه های علما، مراجع و حوزه های علمیه در همدردی با مردم تبریز و محکومیت کشتار مردم توسط مأموران امنیتی حکومت، صادر می شود.

• پیام امام خمینی(ره)

در میان تمامی پیامهای صادره، پیام امام خمینی(ره)، یا به تعبیر خود غمنامه، در ۸ اسفند ۵۶ از شور و حال دیگری برخوردار است.

قسمتهایی از این پیام آمده است: «سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان، درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز، درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد مرگ بر شاه خط بطلان بر خرافه گویی های او کشیدند، زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز که با نهضت خود مشیت محکمی بر دهان یاوه گویان زدند. خاطره بسیار تأسف انگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعه بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمانی را رنج داد و ما را به سوگ نشاند، من به شما اهالی محترم آذربایجان نوید می دهم، نوید پیروزی نهایی را که شما آذربایجانی های غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور به پا خاسته و فداکاری کردید.»

در قسمت دیگری از این پیام آمده است: «... با خواست خداوند قهار اکنون در تمام کشور صدای ضد شاهی و ضد رژیم بلند است و بلندتر خواهد شد و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند برای انتقام از این ضحاک زمانه (شاه) به اهتزاز درخواهد آمد، ملت اسلام یکدل و یک جهت به پاس از مکتب حیاتبخش قرآن آثار این رژیم ضد اسلامی را محو خواهد کرد.

در چهلم شهدای تبریز بود که یزد جانانه خروشید و شهدایی چند به پیشگاه نهضت اسلامی تقدیم نمود و پس از آن با برگزاری چهلیم های مکرر و پیوسته شدن تمام مبارزات مردم مسلمان ایران در ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ طومار رژیم پوسیده شاهنشاهی، برای همیشه در هم پیچیده شد.